

تدوین و تبیین

اولین نظامنامه کارگری قالیبافان ایران (کرمان)

علی ططری

کارشناس اسناد کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی

درآمد:

وضع قوانین اجتماعی خصوصاً در زمینه کار و مشاغل صنعتی در ایران عهد قاجاریه به ویژه قبل از مشروطیت، مورد غفلت زمامداران وقت واقع شده بود. شکل گیری طبقه کارگر ایران از اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم آغاز شد و علت اصلی آن، تحولات عمیق ایجاد شده در کشور بود که در جای خود باعث خرابی روستاییان و ورشکستگی پیشه‌وران شده بود. نیروی کار شهری اندک و بخش اعظم این نیرو در کارگاه‌های صنعتی سنتی کار می‌کردند. در این زمان ترکیب اصلی طبقه نوپای کارگر ایران را پیشه‌وران ورشکست شده، فقرای شهری، اعضای ایلات و به خصوص عمده‌ترین بخش آن را روستاییان تشکیل می‌دادند. اگر بخواهیم دقیق‌تر به این موضوع بپردازیم، تا قبل از سال ۱۲۹۹ ش. / ۱۹۲۱ م. ایران به سختی صنعتی جدید داشت. البته به دلیل شرایط بغرنج سیاسی، مشکلات اقتصادی، کمبود و یا حتی کافی نبودن نیروی کارآمد و آگاه دیوانی، محلی برای رشد صنایع جدید باقی نمی‌گذاشت. با شکست محمدعلی شاه از مشروطه خواهان و فرار او به روسیه، میزان تسلط حکومت مرکزی بر ایالات کاهش چشمگیری یافت، در نتیجه توجه رجال ایران به اموری مهم‌تر (!) از وضعیت کار و کارگرانی که به تدریج یک طبقه را به نام خویش ثبت کرده بودند، معطوف گردید.

پس از روی کار آمدن حکومت کودتا، سقوط قاجاریه و ظهور پهلوی، قوانین جدیدی در مجلس

صنعتی مطرح شود. در همین راستا صنایع (غیرنفتی) تا اندازه‌ای توسعه یافت^۲ و اصلاحاتی زودگذر - و به لحاظ اقتصادی غیر واقع بینانه - نیز انجام شد که البته از نظر سیاسی دست نیافتنی بودند و لاجرم به زودی با شکست مواجه گردیدند (مانند استخدام میلسپو امریکایی و اصلاحات مالی که به نتیجه‌ای نرسید).

مباحثات مجلس در زمینه نیاز به قانون کار و توجه به وضعیت کارگران به دلیل عدم حمایت سیاسی ناکام ماند. البته در این زمان، ایران هنوز از نظر اجتماعی و اقتصادی برای این کار آمادگی نداشت. در حالی که در اروپا و امریکا سازمان‌ها و اتحادیه‌های کارگری به منظور دفاع از منافع کارگران در مقابل استثمار کنندگان یعنی کارفرمایان سرمایه‌دار به وجود آمده بودند، در



۱۲



در سال‌های بین ۱۳۰۸ تا ۱۳۱۸ ش. ایران تلاش گسترده‌ای در راه صنعتی شدن انجام داد و کارخانه‌هایی چون قند کهریزک، چیت‌سازی در اشرف مازندران (بهشهر)، برق تهران و ... تاسیس شدند. بنابراین بیشتر قوانین کار به بخش جدید اقتصاد و مأموران دولت^{۱۳} اختصاص یافت و صنایع به ظاهر کوچکی چون قالیبافی به همراه کارگران استثمار شده آن تحت قاعده و قانون خاصی درنیامدند^{۱۴}. در این زمینه اسناد ذی‌قیمتی در مرکز اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی وجود دارد که موضوع مقاله حاضر را به خود اختصاص داده است.

معرفی سند:

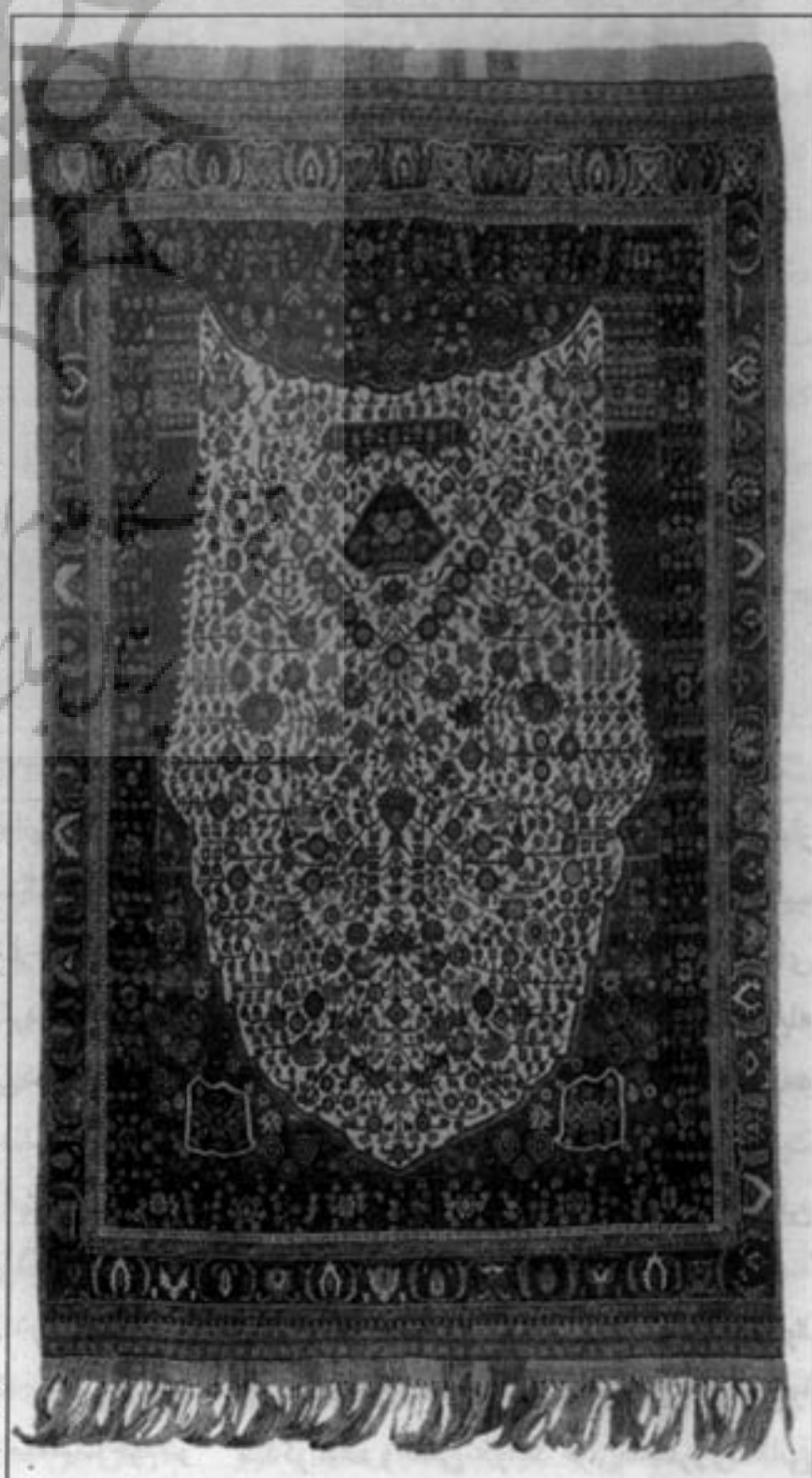
دانستیم که ایران یکی از نخستین اعضای سازمان بین‌المللی کار بود، لذا این سازمان با توجه به حیطه وسیع عملکردش، خود را به حمایت از کارگران ملل عضو ملزم می‌دانست، مهم‌ترین وظیفه سازمان بین‌المللی کار، «تضمین شرایط عادلانه و انسانی کارگری و رفاه جسمی، اخلاقی و معنوی حقوق‌بگیران صنعتی بود» که البته در انجام این وظایف «آزادی کامل» داشت^{۱۵}. بنابراین، طبق اسنادی که در این زمینه در مرکز اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است، این سازمان پس از دریافت گزارش‌هایی درباره وضعیت اسفناک و بسیار بد کارگران کارگاه‌های

قالیبافی بود.^{۱۶} شاید بدین سبب که اولاً هر چند قالیبافی در این زمان تنها صنعت ایران نبود، اما در بیرون از کشور، صنعت اصلی به شمار می‌آمد و بخش عمده صادرات صنعتی ایران را تشکیل می‌داد^{۱۷}. چنان که در اواخر قرن نوزدهم، ارزش کل صادرات قالی به حدود ۵۰/۰۰۰ لیره رسید^{۱۸}. با این حال، قالیبافی در این دوران هنوز صنعتی خانگی و روستایی بود^{۱۹}. شایان ذکر است که در شرایط نیمه استعماری ایران، این صنعت توسط بازرگانان اروپایی و ایرانی رونق یافت و مهم‌ترین دلیل آن تقاضای فراوان بازارهای غربی و ناتوانی صنایع جدید غربی در تولید قالی و رقابت با تولیدکنندگان ایرانی بود^{۲۰}. به هر حال، فرضیه فوق‌چندان قابل قبول نیست: زیرا نخست آن که این دلیل با اهداف سازمان بین‌المللی کار همخوانی نداشت. به بیان دیگر، بین سازمان در پی ساماندهی وضع کارگران ملل عضو بود، نه بهبود شرایط اقتصادی و تجاری کشورها.

ثانیاً بدان علت که صنعت قالیبافی تعداد زیادی از نیروی کارگر را در خدمت خود داشت. کارگرانی که در شرایط بسیار نامناسب صحی و به ناچار در زیرزمین‌های تاریک و نامطلوب کار می‌کردند^{۲۱}. این دلیل منطقی‌تر به نظر می‌رسد، زیرا با معیارهای سازمان بین‌المللی کار مطابقت دارد و حول محور کارگران و شرایط کاری آنها سیر می‌کند. و آن گونه که خواهیم دید، در نتیجه فعالیت سازمان مزبور، نخستین قانون کار در ایران به تصویب می‌رسد؛ قانونی که هر چند در یک بخش صنعتی (قالیبافی) و یک ناحیه (ایالت کرمان) محدود بود^{۲۲}، اما بسیار قابل توجه و مهم است.

کارگاه‌های پیشه‌وری ایران به سبب تسلط مناسبات پدر شاهی بین شاگردان و استادکاران، صاحبان کارگاه‌ها و استادکاران نقش پدری و رهبری را در کارگاه‌ها به عهده داشتند^{۲۳}.

کارگران مزدبگیر با دستمزدهای بسیار پایین و غیر عادلانه و نیز شرایط زندگی غیر انسانی به راحتی از سوی اشراف زمیندار، تجار و قشر بالای پیشه‌وران استثمار می‌شدند و این امری بسیار عادی بود. با وجود این، ایران در همان آغازین روزهای تاسیس سازمان بین‌المللی کار^{۲۴} به عضویت آن در آمده بود و بدین ترتیب، سازمان مزبور وضعیت کارگری و شرایط کار در ایران را مورد بررسی قرار داد. جالب این که با بررسی اسناد موجود، اولین صنعتی که بدین لحاظ مورد توجه سازمان بین‌المللی کار قرار گرفت، صنعت





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 کتابخانه دیجیتال ملی ایران

قالیبافی کرمان^{۱۷} (که بیشترشان را زنان و کودکان تشکیل می‌دادند)^{۱۸} مساله را در پنجمین جلسه هیات مدیره (اکتبر ۱۹۲۰) مورد بحث قرار داد.^{۱۹} در نتیجه آلبرتوماس^{۲۰}، رییس دفتر سازمان مزبور در تلگرافی (۳۱ اکتبر ۱۹۲۰) به دولت وقت ایران «راجع به اجیر کردن اطفال در کارخانه‌های قالیبافی» هشدار می‌دهد. وی ضمن بیان شرایط نامناسب محیط کار و مشکلات جسمانی ناشی از آن که گریبانگیر این کارگران در کرمان شده بود، از دولت می‌خواهد که نسبت به تعهداتش در سازمان بین‌المللی کار پایبند باشد و طبق «ماده ۲۳» قانون کار سازمان، نهایت تلاش خود را در جهت بهبود اوضاع ایشان مبذول دارد.^{۲۱}

آخراً امر نیز پیشنهادات کنسول انگلیس در کرمان مبنی بر ایجاد شرایط جدید برای بهبود وضعیت کارگران قالیباف را بدین شرح ذکر می‌کند:

«دفتر بین‌المللی کار اطلاع یافته که کنسول انگلیس در کرمان پس از مشورت و موافقت با نمایندگان کارخانه‌های عمده قالیبافی متعلق به امریکایی‌ها و اروپاییان، شرایط ذیل را پیشنهاد نموده [است]: ۱. جلوگیری از استخدام پسرها قبل از ۸ سال و دخترها قبل از ۱۰ سال؛ ۲. منتهی‌الیه دستگاه قالیبافی اقلأ ۱۱ اینچ از زمین مرتفع باشد که کارگر بتواند پای خود را زیر دستگاه دراز کند و مجبور به چمباتمه زدن^{۲۲} و ابتلای به عواقب وخیم آن نباشد؛ ۳. مدت کار به مدت ۸ ساعت محدود بوده و در وسط روز یک فرجه مختصری داشته باشد که در آن مدت مجبور به خروج از محل کار باشد. ۴. انتخاب یک کمیسیون (که اعضای آن خارج از صاحبان این صنعت باشد) که ناظر اجرای مسایل فوق باشد.»^{۲۳}

ناکامی توماس در دریافت جواب از سوی دولت ایران موجب شد که وی مجدداً نامه‌ای بدین مضمون به وزارت امور خارجه (۳۱ اوت ۱۹۲۱) ارسال نماید:

«در تعقیب کاغذ D.2./44 فوریه ۱۹۱۹ نظر به نزدیکی افتتاح کنفرانس بین‌المللی کار در ۲۵ اکتبر، متمنی است اطلاعات و پیشنهادات راجع

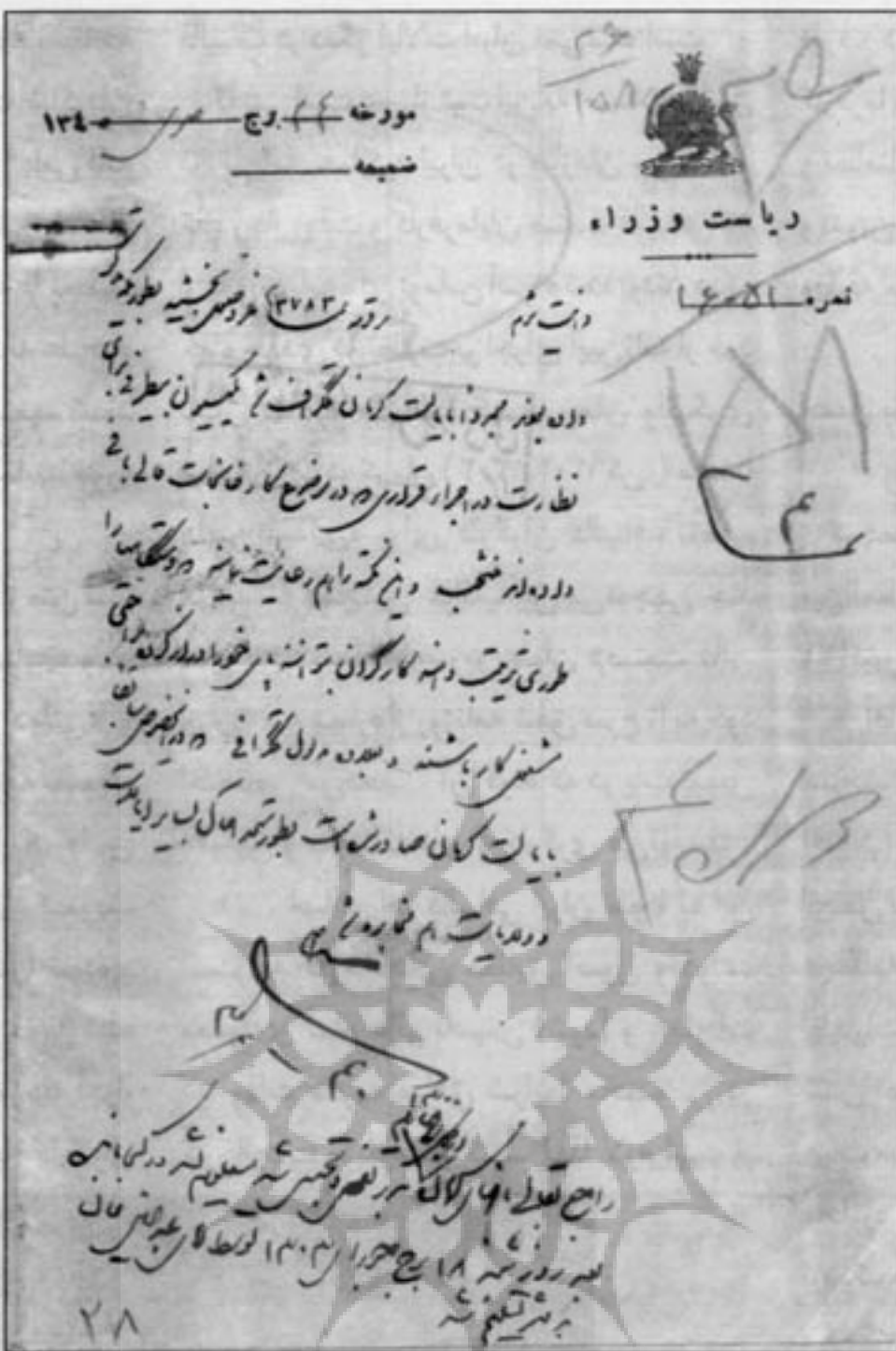
به جهات کار در کارخانه‌ها و قوانین لازمه، در اجرای سفارشات کنفرانس واشنگتن را ارسال دارید. در تعقیب مراسلات D.142 اکتبر ۱۹۲۰ و ۷ ژوئیه ۱۹۲۱ راجع به اجیر کردن اطفال در کارخانه‌های قالیبافی دقت می‌دهد که اداره بین‌المللی کار هنوز جوابی دریافت نداشته [است].» آلبرت توماس - انترلاب - ژنو^{۲۴}

توماس لاجرم در ۲۹ سپتامبر ۱۹۲۱ با پرنس ارفع‌الدوله^{۲۵}، وزیر مختار ایران در ژنو مکاتبه می‌کند و ضمن شرح نامه‌هایی که به وزارت امور خارجه ایران فرستاده است و عدم موفقیت خود در گرفتن جوابی قانع‌کننده از سوی این وزارتخانه، از ارفع‌الدوله در جهت «حصول نتیجه مطلوبه» طلب مساعدت می‌خواهد.^{۲۶} ارفع‌الدوله نیز طی نامه‌ای در جواب وی «مشکلات مراوده بین ایران و اروپا» که حتی گاهی به «مفقود» شدن «اصل مراسله» نیز می‌انجامد را علت عدم وصول گزارش وزارت امور خارجه ایران به دفتر بین‌المللی کار معرفی می‌کند. او همچنین در ادامه می‌نویسد:

«کابینه جدید ایران^{۲۷} در جزو پروگرام خود مساله اصلاح شرایط زندگی کارگران و زارعین را متذکر شده و سعی خواهد کرد که طرز زندگانی

آنها بیش از پیش با شرایط جدید حفظ الصحه^{۲۸} و امنیت نزدیک شود. و قطعاً نتیجه مثبتی هم به دست خواهد آمد. معیناً دوستدار از ارسال یادداشت شما به وزارت امور خارجه خودداری نکرده [است] و حتی المقدور در ایصال جواب فوری و اجرای اصلاحات منظوره اهتمام خواهد نمود.^{۲۹}

آن گونه که از متن سند فوق برمی آید، ارفع الدوله ترجمه نامه توماس را علاوه بر نخست وزیر برای وزارت امور خارجه نیز ارسال نموده است. لذا نخست وزیر هم پس از انجام اقداماتی، در تاریخ ۱۲ جدی ۱۳۰۰ در نامه ای (به شماره ۱۵۴۸۲) به مجلس شورای ملی اعلام می دارد که «چندی قبل» دستورات لازم به جهت «ترتیب کار کارگران قالیباف کرمان و شرایط حفظ الصحه آنها» به والی کرمان مخابره شده است و «ایالت نیز در محل، قرارنامه [ای] با حضور صاحبان کارخانه و غیره [ترتیب] داده است» که



کار برای کارخانه ها و کارگران قالیباف کرمان هشدار می دهد.^{۳۱} مجلس نیز در جوابیه ای (۲۰ جدی ۱۳۰۰) ضمن این که به ارفع الدوله اطمینان می دهد، کلیه «اوامر» در دست اجرا است، «اقرار» می نماید که «کافی نیست» و «اقدامات دیگری» انجام خواهد شد که بعداً «نتیجه» آن را به «اطلاع» وی می رساند. همچنین بیان می کند متن تلگراف والی وقت کرمان، جعفرقلی خان بختیاری^{۳۲} به وزارت امور خارجه که رونوشتی از آن به مجلس نیز ارسال شده بود را نیز ضمیمه این نامه برای ارفع الدوله می فرستد. بنابر متن این تلگراف «در تالار ایالتی» کرمان، «مجلسی از روسای دوایر دولتی» و «هیات قالیباف» تشکیل شده است که در جریان آن طبق «اوامر دولت»، «نظامنامه ای» که شامل کارخانجات داخله و خارجه» می شد بدین شرح به امضای شرکت کنندگان رسیده است:

متن آن را ضمیمه همین نامه به اطلاع مجلس می رساند. بدین ترتیب از مجلس می خواهد که پیگیری های لازم را مبذول دارد و نتیجه را برای وزارت امور خارجه «نیز ارسال نماید تا این که مراتب انجام امور هرچه «زودتر» به ارفع الدوله تلگراف شود. مجلس هم در ۲۰ جدی ۱۳۰۰ در جوابیه ای (به شماره ۲۷۸۳) به «ریاست وزراء» می نویسد:

«ریاست محترم وزرای عظام دامت شوکتهم. فدایت شوم. مرقومه محترم مورخ ۱۲ برج جاری به نمره ۱۵۴۸۲ به ضمیمه سواد راپورت ایالت کرمان واصل و چنانچه از راپورت مزبور مستفاد می شود در دو فقره پیشنهاد قنصل انگلیس که سواد آن قبلاً ارسال شده (یکی راجع به انتخاب کمیسیون بی طرفی برای نظارت و تفتیش در حال کارگران، دیگری ترتیب دادن دستگاه های قالیبافی به قسمی که کارگر بتواند پای خود را دراز

کند) توجهی نشده [است] به علاوه متمنی است تعیین فرمایند که دستوری که در ترقیه حال کارگران صادر شده منحصر به کرمان است و یا شامل کاشان و سایر نقاط می شود و در آنجا چه اقدامی شده است؟»^{۳۰}

هرچند نخست وزیر در جواب این نامه در مورد چگونگی قرار گرفتن دستگاه های قالیبافی مجدداً تاکید می کند، اما چنان که خواهیم دید در این زمینه کاری صورت نمی گیرد. از سوی دیگر، طبق این جوابیه، تلگرافی با موضوع رسیدگی به امور کارگران قالیباف، «به سایر ایالات و ولایات هم مخابره» شده است که البته با توجه به شواهد امر، این موضوع در عمل به اجرا در نیامد.

لازم به توضیح است که ارفع الدوله پیش از این در ۲۰ اکتبر همان سال (۵ جدی ۱۳۰۰) در تلگرافی به مجلس شورای ملی، جدیت و پافشاری سازمان بین المللی کار را در ارتباط با تدوین قانون

۱- به هیچ وجه اجباری در استخدام شاگردان منظور نشود و اجیر نامه ها کاملاً به رضایت طرفین صورت خواهد گرفت. ۲- اجیر نامه ها^{۳۳} بعد از آن که به مهر حاکم شرعی رسید توسط استاد به کارگزاری و اداره فواید عامه آورده [و] ثبت خواهد شد. ۳- در موضوع، اجیرنامه های قبل تا اول حمل موقوف الزاکره [هستند] و از اول حمل باید کلیه اجیرنامه ها را به طوری که در ماده ۲ نوشته شده برای ثبت به کارگزاری و اداره فواید عامه بیاورند. ۴- به طور کلی مدت کار برای شاگردان و اشخاصی که اجیر شده اند در تمام فصل ۸ ساعت خواهد بود و زیاده بر این فقط برای اشخاصی است که به طور داوطلب و مقاطعه کار می کنند، جایز خواهد بود. ۵- پسر کمتر از ۸ سال و دختر کمتر از ۱۰ سال نداشته باشند. ۶- استادانی که در قوه دارند ساختمان کارخانه های خود را موافق حفظ الصحه ترتیب داده و آنان که نمی توانند

حتی القوه به دستوری که از طرف حافظالصحه داده می‌شود، عمل کنند.^{۳۳} ۷- اجرت شاگردان اجالتاً تا [برج] حمل ۱۳۰۱ که ترتیب قطعی داده شود صد[ای] پنج اضافه خواهند داد. ۸- ایام جمعه و روزهای اعیاد و قتل کارخانه‌ها تعطیل خواهد بود. ۹- کارخانجات زنانه و مردانه علیحده و سوا خواهد بود. ۱۰- هیات قالیباف متعهد شدند چنانچه برخلاف مواد فوق رفتار نمایند مورد مسئولیت واقع شوند...»^{۳۵}

بدین ترتیب، آن گونه که گفته شد و از متن سند برمی‌آید، مواد فوق زیر عنوان «نظامنامه» و در مجلسی متشکل از «اعضای دوایر دولتی» و «هیات قالیباف‌ها» در کرمان تنظیم و به تصویب رسیده است. بنابراین نمی‌توان آن را یک قانون جامع کارگری دانست، زیرا اولاً مورد تصویب مجلس شورای ملی (مرجع قانون‌گذار) نبوده و تنها زیر نظر دولت (دستگاه اجرایی) تدوین شده است. دوماً مواد این «نظامنامه» در مرحله اجرا، عمومیت نداشته و شامل حال سایر کارگران

قالیباف در دیگر ایالات ایران نمی‌شده است. گفتنی است پس از ثبت این به اصطلاح قانون در کارنامه عملکرد ایران در سازمان بین‌المللی کار، رجال وقت و کارفرمایان صنعت قالیبافی که از کابوس نامه‌های توماس آسوده شده بودند، دیگر جد و جهدی در نظارت بر اجرای آیین‌نامه از خود نشان ندادند. تا آنجا که در زمان والیگری تیمورتاش^{۳۴} در کرمان (۱۳۰۲-۱۳۰۳ ش.) مجدداً «آیین‌نامه‌ای» برای کارگران قالیباف تنظیم گردید.^{۳۷} همچنین عواقب این بی‌توجهی چند سال بعد در مقاله‌ای زیر عنوان «صنعت قالی ایران» سه شماره از روزنامه شفق سرخ را به خود اختصاص می‌دهد.^{۳۸} آن گونه که در باب تدوین «قوانین و نظامنامه‌های» کارگری می‌نویسد:

«... اصلاح امر قالیبافی ایران منوط به این است که کارخانجاتی مطابق اصول و قواعد معموله‌ی تمام عالم تاسیس [شود] و عملجات در اوقات مقرر موافق شرایط مخصوص در کارخانجات مزبوره کار کنند. لہذا لازم است از

طرف دولت، حقوق و تکالیف طرفین یعنی کارفرما و کارگر معین و مشخص گردیده و قوانین و نظامنامه‌هایی مخصوص در این صنعت وضع و تدوین شود تا هر یک تکالیف خود را دانسته، به وظیفه مقرر عمل نمایند.»^{۳۹}

اصل سند:

«سند شماره یک»

ترجمه نامه آلبر توماس، رییس دفتر سازمان بین‌المللی کار به وزارت امور خارجه ایران در تاریخ ۳۱ اکتبر ۱۹۲۰ م:

« آقای وزیر . دوستدار با کمال افتخار به استحضار آن جناب [ناخوانا] می‌رساند که در ضمن آخرین اجلاس ژنو (اکتبر ۱۹۲۰)، هیات مدیره انجمن بین‌المللی کارگران که بر حسب ماده ۳۹۳ عهدنامه ورسای تاسیس شده [است] پاره [ای] اظهارات دریافت داشته که مبنی بر شرایط اجیر شدن اطفال در صنعت قالیبافی کرمان است. هیات مدیره را متذکر شده‌اند که در کرمان و قرای مجاوره کارگاه‌های قالیبافی در اتاق‌های تاریک نزدیک به هم [با سقف] کوتاه و بد هوا برپا شده و کارگران مجبورند با ناسالم‌ترین وضعی در آنجا گرد هم جمع شده و کار کنند. ضمناً اطلاع می‌دهد که اطفال در سن ۵ سالگی از اول روز الی غروب فقط با یک تفریح جزئی در وسط روز کار می‌کنند. این وضعیت^{۴۰} و نوع خود کار غالباً در اطفال باعث یک اعرجاجاتی^{۴۱} در دست و پای آنها شده و فوراً مزاج آنان را منحرف می‌نماید. هیات مدیره در این موضع متذکر می‌شود که ایران نظر به عضویت در جامعه ملل و موافق ماده ۲۳ قرارداد آن متعهد شده است که: « شرایط منصفانه و عادلانه کار را برای اطفال، نسوان و مردها تضمین و تثبیت کند.» و نماینده ایران در کنفرانس بین‌المللی کار، منعقد در واشنگتن (۲۹ اکتبر - ۲۹ نوامبر ۱۹۱۹) لایحه [ای] که حداقل سن استخدام اطفال را تعیین می‌کند رای داده و تصویب نموده و ماده ۲ این لایحه استخدام اطفال را قبل از ۱۴ سال منع می‌کند. هیات مدیره نمی‌تواند تصور کند و به دولت ایران بیش از این اجازه دهد که شرایط و



مورخه ۱۲ برج سپهر ۱۳۴۸
ضمیمه

ریاست وزراء
شماره ۱۵۴۸۲

دیت ۱۲
درین وقت آن جناب در وقت ظهر روز ۱۲ سپهر ۱۳۴۸
بنام وزیر معین در وقت ظهر روز ۱۲ سپهر ۱۳۴۸
و وزیر معین در وقت ظهر روز ۱۲ سپهر ۱۳۴۸
من در این وقت در وقت ظهر روز ۱۲ سپهر ۱۳۴۸
کن در وقت ظهر روز ۱۲ سپهر ۱۳۴۸
در وقت ظهر روز ۱۲ سپهر ۱۳۴۸
روز ۱۲ سپهر ۱۳۴۸

23 Octobre 1921
n° 29

à Monsieur Albert Thomas,
Directeur du Bureau International du Travail
à la Société des Nations

Monsieur le Directeur,

J'ai l'honneur de vous adresser ci-joint votre lettre du 21 Septembre. C'est avec le plus grand intérêt que j'ai pris connaissance de son contenu.

Le vote n'a été point une réponse à votre lettre au Ministère des Affaires Étrangères de Pékin, et a été uniquement une difficulté de communication entre la Perse et l'Europe. Comme je n'ai pu dilater à maintes reprises dans les Commissions et les Conférences nos réponses après quatre à cinq mois, et mieux il arrive, nous ont que les choses se passent en route.

Le nouveau Gouvernement Persan a mis dans son programme l'amélioration des conditions de tous les travailleurs : ouvriers et cultivateurs et il s'efforce d'adapter les conditions de travail aux conditions modernes d'hygiène et de bien-être.

Il est probable qu'un résultat positif sera obtenu prochainement. Néanmoins je ne manquerais pas d'envoyer votre note au Ministère des Affaires Étrangères et je ferai tout mon possible pour obtenir une prompt réponse et pour faire hâter la réalisation des réformes projetées.

Veuillez agréer, Monsieur le Directeur, l'assurance de ma haute considération.

شده بود، مسیو آلبر توماس،^{۳۳} رئیس سوسیالیست‌های فرانسه که چندین بار در وقت جنگ جزو وزرای فرانسه بود بعد از شام با بنده ملاقات و بی‌اندازه گله و شکوه از دولت علیه کرد که جواب کاغذ و تلگراف او را در باب اصلاح حال کارگران وزارت خارجه ایران نداده است. حتی می‌گفت خیال دارد وضع زندگانی رقت‌انگیز بچه‌ها را که از صبح تا شام روی زانو نشسته برای یک لقمه نان در کارخانه‌های قالبی‌کاری می‌کنند، در جلسات عمومی به اطلاع عالمیان برساند. چون مومی‌الیه در مجمع، رئیس اداره بین‌المللی مشاغل است و حق این اقدام را دارد، با کمال رفعت و با هزاران زبان به او حالی کردم که سکوت وزارت خارجه ما نه از سر لاقیدی و بی‌اعتنایی است بلکه به واسطه عدم انتظام راه‌ها است و قرارداد توصیفی [از این مذاکره] را بدون تاخیر به وزارت خارجه نوشته [و] جواب بخواهم. مومی‌الیه چند روز بعد در تعقیب مذاکرات شفاهی، کاغذی رسمی به بنده نوشت و بنده جواب لازم [را] در اسکات او نوشتم و سواد هر دو را از ژنو به وزارت جلیله

کار برخلاف ماده ۲۳ قرارداد بوده و از نظر دولت و تفتیش او محو شده باشد. اگر واقعاً این طور است هیات مدیره مصرأ تقاضا می‌نماید که دولت در اسرع وقت^{۳۳} و با وسایل ممکنه تفتیش کار خود را تکمیل و عملی نموده تا بتواند حقیقتاً تعهداتی را که با نهایت شرافت در موسسه بین‌المللی کار نموده به موقع اجرا گذارد. به علاوه چون ظاهراً مباحثات در این موضوع در جلسات ژانویه هیات مدیره و شاید در کنفرانس عمومی آوریل به عمل آید. دوستدار ماموریت دارد از جناب عالی تقاضا نماید اقدامات مقتضی که دولت ایران نموده و نظریاتی که می‌خواهد اظهار و پیشنهاد کند، به اطلاع موسسه بین‌المللی کار برساند.

آلبرت توماس «^{۳۳}

« سند شماره ۲ »
نامه ارفع‌الدوله به مجلس شورای ملی در تاریخ ۲۰ اکتبر ۱۹۲۰ م:
« قربانت شوم. شب مهمانی رسمی اولی که از طرف سکرتر ژنرال برای عموم نمایندگان مرتب

وضعیت دور از انسانیت کارگران مثل آنچه که در کرمان و حوالی ذکر شد دوام پیدا کند. هیات مدیره با علاقه [ای] که در حفظ موقعیت اعضای خود دارد نمی‌تواند در مقابل نسبت‌هایی که علیه یک نفر از اعضای این موسسه شده و خالی از اهمیت هم نیست، به نظر لاقیدی نگاه کند. و هیات مدیره قطع دارد که دولت ایران هم با نظریات سایر اعضای انجمن بین‌المللی کار موافق بوده و می‌خواهد که شرایط کار بر روی یک اساس عدل و انصافی استوار شود. بناء علی هذا، هیات مدیره، انجمن بین‌المللی کار را مامور نموده که این نظریات را به اطلاع دولت ایران برساند و یقین دارد که دولت علیه هم به اهمیت موضوع پی برده و اگر صلاح بداند هیات تفتیش تاسیس خواهد کرد که نتیجه اقدامات خود را در اجلاس آتی به استحضار انجمن برساند. ممکن است که نظر به عدم تکامل تاسیسات صنفی در مملکت شما و عنایت به مشکلاتی که این اداره در اجرای تعهداتی که دولت ایران در موسسه بین‌المللی کار نموده، برخوردار باشد و در پاره [ای] نقاط پراکنده شرایط

۱۷
سازمان



خارج فرستادم. اینک سواد مکاتبات را لفاً برای استحضار خاطر مبارک می نویسم [و] مستدعی هستم هر قراری که از طرف مجلس و اولیای دولت در باب آسایش حال کارگران ایران [انجام می شود] ^{۲۵} به بنده نیز مرقوم فرمایند که به مسیو آبرتوماس بنویسم. پنج روز دیگر در ژنو کنگره بین المللی از برای رفاهیت حال کارگران عالم منعقد خواهد شد، بدبختانه پول نیست که بنده هم یک نفر از طرف ایران به آنجا بفرستم که مایه اسکات حضرات شود. در این باب نیز از ژنو به وزارت خارج نوشته ام که یک نفر از برای این کنگره معین فرمایند، نمی دانم چه قراری داده اند.

[ناخوانا] تمام شوکت مستدام

امضا: رضا ^{۲۶}

« سند شماره ۳ »

جوابیه مجلس شورای ملی به ارفع الدوله در تاریخ ۲۰ جدی ۱۳۰۰ ش: «مرقومه محترمه مورخ ۲۱ اکتبر واصل و بشارت مزاج شریف عالی موجب مسرت و امتنان گردید، امید است که همیشه در خدمات ملی و عمومی موفق و مقتضی المرام بوده باشید. در مذاکراتی که با مسیو آبر توماس شده و مراتبی که در پیشرفت کار است شرحی مرقوم فرموده بودید، به هیات دولت مراجعه شده و جواب می دهند که سابقاً بر حسب تقاضای وزارت امور خارجه اوامر لازمه به ایالت کرمان صادر شده بود و اینک نیز مجدداً دستور لازم داده شد که رفع نگرانی شود. ضمناً سواد تلگراف ایالت کرمان را ارسال داشته اند که محض استحضار خاطر شریف لفاً ارسال می شود. همواره منتظر وصول مرقومجات و مژده سلامت مزاج سعادت امتزاج عالی بوده و مراتب ارادت [را] تجدید می کنم. (قسمت ذیل را حضرت ریاست پناهی به خط خود علاوه نموده [است]:

«بالفعل نسبت به کارگران قالیباف اقدامی که شده است از سواد جواب ایالت کرمان معلوم می گردد. اقرار می دارم که کافی نیست، اقدامات دیگر شده و بعد نتیجه را اطلاع خواهم داد.» ^{۲۷}

« سند شماره ۴ »

جوابیه نخست وزیر میرزا احمد خان قوام السلطنه به مجلس شورای ملی. ریاست وزراء، نمره ۱۶۰۵۱، ۲۴ جدی ۱۳۴۰ ش:

«فدایت شوم مرقومه نمره ۳۷۸۳ عز وصول بخشید بطوریکه تذکر داده بودند مجدداً بایالت کرمان تلگراف شد کمیسیون بیطرفی برای نظارت در اجراء قراری که در موضوع کارخانجات قالی بافی داده اند منتخب و این نکته را هم رعایت نمایند که دستگاهها را طوری ترتیب دهند کارگران بتوانند پای خود را دراز کرده براحتی مشغول کار باشند و بعلاوه مدلول تلگرافی که در اینخصوص سابقاً به ایالت کرمان صادر شده است بطور متحدالمال بسایر ایالات و ولایات هم مخابره شد!

امضاء

[میرزا احمدخان قوام السلطنه] ^{۲۸}

- پی نوشت ها:
۱. محمدرضا فشاھی، تکوین سرمایه داری در ایران (۱۷۹۶-۱۹۰۵)، (تهران: گوتنبرگ، ۱۳۶۰)، صص ۳۳۸ و ۳۳۹.
 ۲. ویلم، فلور، اتحادیه های کارگری و قانون کار در ایران (۱۹۴۱-۱۹۰۰ م.)، ترجمه دکتر ابوالقاسم سری، (تهران: توس، ۱۳۷۱)، ص ۹.
 ۳. بهاء الدین بازارگاد، کروئولوژی تاریخ ایران، (تهران: کتابفروشی اشراقی، ۱۳۴۵)، ص ۲۳۹؛ همچنین: مجموعه فهرست تاریخی و قوانین و مصوبات از دوره اول تا پایان دوره بیست و دوم قانونگذاری مجلس شورای ملی، (تهران: اداره کل قوانین، ۱۳۵۱).
 ۴. محمدعلی همایون کاتوزیان، اقتصاد سیاسی ایران، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، (تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۹)، ج هفتم، ص ۱۳۸.
 ۵. فشاھی، پیشین، ص ۳۳۸.
 ۶. سازمان بین المللی کار «به موجب معاهده ورسای موجودیت یافت» و در حقیقت «شاخه ای از تشکیلات جامعه ی ملل محسوب می شد» که از نظر «اداری تحت سلطه جامعه ملل قرار داشت ولی در مورد اقدامات خارجی صاحب استقلال بود. تشکیلات اصلی این سازمان شامل کنفرانس سالانه، هیأت مدیره و دفتر بین المللی کار بود. تضمین شرایط عادلانه و انسانی کارگری و رفاه جسمی، اخلاقی و معنوی حقوق بگیران صنعتی» از وظایف عمده سازمان مزبور به شمار می آمد که البته در انجام آنها از «آزادی کامل» برخوردار بود. (اف. پی. والترز، تاریخ جامعه ملل، ترجمه فریدون زندفر، (تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲)، صص ۱۴۲ و ۱۴۳).
 ۷. مرکز اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی، کارتن ۲۶، دوسیه ۱۵۸، ص ۱۳.
 ۸. کاتوزیان، پیشین، ص ۱۳۸.
 ۹. چارلز عیسوی، تاریخ اقتصادی ایران، ترجمه یعقوب آژند، (تهران: گستره، ۱۳۶۲)، ص ۴۶۹.
 ۱۰. کاتوزیان، پیشین، ص ۱۳۹.
 ۱۱. احمد اشرف، موانع تاریخی رشد سرمایه داری در ایران: دوره قاجاریه، (تهران: زمینه، ۱۳۵۹)، ص ۱۲۹.

۲۵. «رضا ارفع معروف به پرنس ارفع الدوله و متخلص به دانش» از رجال سیاسی اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم بود. وی در سال‌های ۱۲۷۹-۱۲۸۹ ش. به عنوان «وزیر مختار ایران در پترزبورگ و سفیر» در استانبول مشغول به کار گردید. «پس از آن به تهران احضار شد و در ۱۲۹۲ ش. در دولت محمدعلی خان اعلاء السلطنه به سمت وزارت دادگستری تعیین گردید... سپس مامور اعلام پادشاهی احمد شاه به دربارهای اروپایی شده و چندین سفیر ایران در جامعه ملل بود.» (باقر عاقلی، شرح حال رجال سیاسی-نظامی معاصر ایران، ج ۱، تهران: گفتار و علم، ۱۳۸۰)، صص ۸۳، ۸۵. همچنین: سیروس غنی، ایران برآمدن رضا خان برافتادن قاجار و نقش انگلیسی‌ها، ترجمه‌ی حسن کامشاد، (تهران: نیلوفر، ۱۳۷۸)، ج دوم، ص ۲۲۰.

۲۶. پیشین، ص ۱۱.
۲۷. در این زمان قوام السلطنه به جای سید ضیا کابینه جدید را تشکیل داده بود.
۲۸. حفظ الصحه: بهداشت.

۲۹. پیشین، ص ۲۱.
۳۰. همان، ص ۱۰.
۳۱. همان، صص ۲۲ و ۲۳.

۳۲. «جعفر قلی خان سردار بهادر (سردار اسعد سوم) (۱۲۵۸-۱۳۱۳ ش.) پسر ارشد سردار اسعد دوم و نوه‌ی حسین قلی خان ایلخان بختیاری، مشهورترین خوانین بختیاری اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم و خود از سران تحصیل کرده عشایر بود.» وی از ۱۲۹۸ تا ۱۳۰۰ ش. والی کرمان بود و پس از آن والی خراسان گردید. او همچنین به وزارت پست و تلگراف و سپس وزارت جنگ منصوب شد اما در همین زمان به اتهام ارسال «محموله بزرگی تفنگ برای ایل بختیاری» بازداشت گردید و سرانجام به قتل رسید. (غنی، پیشین، ص ۲۷۱).

۳۳. در اصل سند: «اجیر نامها».
۳۴. در اصل سند: «... به دستوری که از طرف حافظ الصحه داده می‌شود، رعایت خواهد کرد.»
۳۵. همان، صص ۲۵ و ۲۶.

۳۶. عبدالحسین تیمورتاش از رجال مطرح ایران در اوایل قرن بیستم به شمار می‌آید. وی از «دوره سوم تا نهم مجلس» نماینده نیشابور، قوچان و قائنات بود و «در آذر ماه ۱۳۰۴ وزیر دربار رضا شاه گردید و از نمایندگی مجلس چشم پوشید.» او همچنین از «شهریور ۱۳۰۲ تا فروردین ۱۳۰۳ والی کرمان بود.» که البته در این مدت کوتاه اقدامات مهمی در جهت بهبود اوضاع کارگران قالیباف کرمان به انجام رسانید. تیمورتاش از رجال مقرب رضا شاه بود اما در ۱۳۱۱ ش. مورد غضب قرار گرفت و «نهایتاً در ۱۳۱۲ در زندان به قتل رسید.» (غنی، پیشین، صص ۳۰۸ و ۳۰۹).

۳۷. محمد ابراهیم باستانی پاریزی، ازدهای هفت سر، (تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۳)، ج دوم، ص ۱۱۷.
۳۸. روزنامه شفق، شماره‌های ۹۴۸، ۹۴۹ و ۹۵۰، ۲۲ تا ۲۴ فروردین ۱۳۰۷.

۳۹. همان، شماره ۹۴۹، ص ۷، پنج‌شنبه ۲۳ فروردین ۱۳۰۷.
۴۰. در اصل سند: «وضعیات».

۴۱. اعرجاجاتی: لنگی‌ها، ناموزونی‌ها.
۴۲. در اصل سند، «به اسرع اوقات».

۴۳. پیشین، صص ۱۳-۱۵.
۴۴. در اصل سند: «طوماس».
۴۵. در اصل سند: «بدهند».
۴۶. پیشین، صص ۲۲ و ۲۳.
۴۷. همان، ص ۲۴.
۴۸. همان، ص ۲۷.

۱۲. جرج ن. لرد کرزن، ایران و قضیه ایران، ترجمه ع. وحید مازندرانی، ج ۲، (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۰)، ص ۶۲۴.

۱۳. این قانون در «مجلسی از اعضای روسای دوایر دولتی» در کرمان تدوین شده است، بنابراین مصوب مجلس شورای ملی نبوده و شامل حال عموم کارگران ایرانی نمی‌شده است.

۱۴. در این زمان به علت ایجاد و گسترش ادارات و موسسات جدید دولتی همچون شرکت بیمه ایران (۱۳۱۴ ش.)، قانون کار برای کارمندان و ماموران دولت نیز تدوین و تصویب گردید. (مرحوم دکتر حسین محبوبی اردکانی، تاریخ موسسات تمدنی جدید در ایران، ج ۲، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۲۵۳۴)، صص ۱۸۱-۱۸۹.

۱۵. فلور، پیشین، ص ۱۰۶.
۱۶. والترز، پیشین، ص ۱۴۳.

۱۷. سازمان بین‌المللی کار از جانب حکومت انگلستان حمایت می‌شد در نتیجه گزارش‌های مبسوطی راجع به اوضاع کارگران قالیباف آن ایالت و شرایط بد محیطی و جسمانی ایشان و سودجویی کارفرمایان توسط کنسولگری انگلیس در کرمان به وزارت امور خارجه انگلیس و سازمان مزبور مخابره می‌شده است. (برای اطلاع بیشتر ر. ک. به: فلور، پیشین، صص ۱۰۷ و ۱۰۸.)

۱۸. شرایط فلاکت‌بار مردم کرمان در دوره قاجاریه شاید نتیجه پناه دادن ایشان به لطفعلی خان زند باشد. چرا که پس از دستگیری وی و تسلط آقا محمد خان بر کرمان «تمام اموال اهل کرمان به غارت رفت، خانه‌ها ویران گردید و مردان به قتل رسیدند...» تا آنجا که در اندک زمانی پس از این جریان، تامین معاش روزانه برای ایشان بسیار سخت و مشکل گردید و از «شدت اضطراب اولاد خود را به شال بافی و فرش بافی» می‌فرستادند.

(حاج سیاح، خاطرات حاج سیاح، به کوشش حمید سیاح و تصحیح سیف‌الله گلکار، تهران: سپهر، ۲۵۳۶)، ج دوم، صص ۱۶۳ و ۱۶۴، همچنین برای آگاهی بیشتر ر. ک. به: محمد ناظم‌الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، به اهتمام علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، بخش اول، (تهران: لوح، ۱۳۵۷)، صص ۳۰۵-۳۰۷.
۱۹. مرکز اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی، پیشین.

ص ۱۲. (اسناد مربوط به سازمان بین‌المللی کار که در مرکز اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود هستند مستقیماً از سوی این سازمان به مجلس شورای ملی مخابره نشده است، بلکه در حقیقت نامه‌هایی است که سازمان مزبور برای وزیر مختار ایران در ژنو (ارفع الدوله) ارسال داشته است. لذا وزیر مذکور نیز یک نسخه کامل از ترجمه و اصل این نامه‌ها را به انضمام توضیح مطالب برای مجلس وقت فرستاده است.)

۲۰. «آلبر توما» فرانسوی (یا به قول ارفع الدوله، آلبرت توماس) «سیاستمدار سوسیالیست جنگجویی بود که در سن ۴۶ سالگی کشمکش‌های سیاسی زیادی را پشت سر گذاشته بود. در طول جنگ [جهانی اول] منصب مهمی در کابینه فرانسه داشت و بسیاری به عنوان نخست‌وزیر آینده فرانسه به او می‌نگریستند. او جانشین شایسته‌ای برای ژورس، نخست‌وزیر زمان جنگ فرانسه بود. هرچه برای این حرفه لازم بود در خود جمع داشت: انرژی سرکش، قدرت بینش، فصاحت و مهارت در بحث و فحص، و اعتقادی آتشین به ایده عدالت اجتماعی.» وی همچنین به عنوان رییس دفتر بین‌المللی کار، توانایی‌های خود را بیش از پیش به نمایش گذارد و اقدامات موثری انجام داد. (والترز، پیشین، ص ۱۴۴).

۲۱. مرکز اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی، پیشین، صص ۱۳ و ۱۴.
۲۲. چمباتمه زدن: سرپاناشستن، پس زانو نشستن.
۲۳. پیشین، ص ۱۷.
۲۴. همان، ص ۱۹.